

تحلیل جنسیتی چالش‌های دانشجویان افغانستانی در ورود به نظام

آموزش عالی ایران

سعیده سعیدی،* لیلا فلاحتی**

کد ارکید: ۹۳۰۷-۳۸۰۴-۰۰۰۲-۰۰۰۰

کد ارکید: ۶۴۱۲-۱۴۲۳-۰۰۰۳-۰۰۰۰

DOR: <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1399.11.2.14.5>

چکیده

جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین کشورهای میزبان مهاجران افغانستانی در چهار دهه گذشته بوده و جامعه دانشجویان افغانستانی با اختلاف بسیار، بزرگترین گروه دانشجویان غیر ایرانی در آموزش عالی ایران است. پژوهش پیش‌رو در پی پاسخگویی به این دو سؤال است که مهمترین موانع و چالش‌های دانشجویان افغانستانی در مرحله ورود به آموزش عالی ایران چیست و تجربه زیسته دختران دانشجوی افغانستانی در این مرحله چگونه در فرایند انطباق فرهنگی آنان صورت‌بندی می‌شود. روش جمع‌آوری داده‌ها ترکیبی از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، مصاحبه نیمه ساختمند با ۷۱ دانشجوی افغانستانی و مصاحبه با نهادهای ذیربط بوده و براساس مدل انگیزه‌های فرهنگ‌پذیری و تکنیک تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد که آموزش عالی ایران با تقویت سرمایه فرهنگی و اجتماعی دختران افغانستانی نقش مهمی در تحرک عمودی آنان داشته است اما مواجهه دانشجویان افغانستانی با مجموعه موانعی که در مرحله پیش از ورود به دانشگاه وجود دارد فرایند فرهنگ‌پذیری این گروه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سختی مضاعف کنکور با موضوع شهرها و رشته‌های ممنوعه، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه دانشجویان بین‌المللی، چالش‌های بوروکراتیک انتقال از نهاد آموزش و پرورش به نهاد آموزش عالی، ضعف اطلاع‌رسانی و نبود وحدت رویه در سیاستگذاری‌های موجود در حوزه مهاجران، تأثیر روابط سیاسی دو کشور و معادلات منطقه‌ای بر نهاد دانشگاه، چالش شهریه، ابهام در بورسیه‌های تحصیلی و تأثیر قانون تبدیل وضعیت اقامتی مهاجران در ریزش سهم دختران در آموزش عالی از مهمترین چالش‌های دانشجویان افغانستانی در ایران می‌باشد. فرهنگ‌پذیری ناقص و ناموزون به افزایش برخورد متعصبانه و تشدید سوگیری فرهنگی خواهد انجامید که منافع ملی کشور را تحت الشعاع قرار خواهد داد. این مسئله تبعات متعددی در پی دارد و به راحتی می‌تواند بر هدف اصلی بین‌المللی‌سازی آموزش عالی ایران که در کلیه اسناد بالادستی، مبنی بر تربیت سفیر فرهنگی مورد تأکید قرار دارد؛ تأثیر معکوس بگذارد.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، دانشجوی افغانستانی، بین‌المللی‌سازی، فرهنگ‌پذیری.

* استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم (نویسنده مسئول)

Saidi@iscs.ac.ir

** استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم

Falahati@iscs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۷

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲، پاییز زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۵۳-۱۷۶

۱. مقدمه و بیان مسئله

در نتیجه گسترش روزافزون روند جهانی شدن، افزایش ارتباطات بین فرهنگی و توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی، تحرک مکانی افراد گسترش چشمگیری یافته است. مهاجرت در بستر آموزش عالی با موضوع بین‌المللی سازی دانشگاه بازنمایی می‌شود (جاودانی، ۱۳۸۸) و یکی از شاخص‌های آن جذب دانشجوی بین‌المللی است (مرینگ و فسکت، ۲۰۱۱). بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، یکی از مهمترین اهداف جذب و آموزش دانشجویان بین‌المللی "تربیت سفیر فرهنگی" و "برقراری تعاملات علمی، فرهنگی و اجرایی پس از فراغت از تحصیل" آنها است. تصویری که از فرهنگ و جامعه ایران در طول مدت حضور در آموزش عالی شکل می‌گیرد مهمترین بستر تبدیل فارغ‌التحصیلان به دوگانه اپوزیسیون یا سفیر فرهنگی خواهد بود. در نگاهی فرایندی، تجربه زیسته دانشجویان (با تاکید بر دانشجویان افغانستانی به عنوان بزرگترین جمعیت دانشجویان غیرایرانی در دانشگاه) در سه مرحله چالش‌های دانشجویان در مرحله ورود به آموزش عالی ایران، چالش‌های زندگی دانشگاهی و چالش‌های دانشجویان بعد از فارغ‌التحصیلی دسته بندی می‌شود و این مقاله بر بخش اول تمرکز دارد که یکی از مهمترین مراحل تأثیرگذار بر فرایند فرهنگ‌پذیری افراد است.

در عرصه جهانی تعداد دانشجویان بین‌المللی ۲/۳ برابر افزایش کمی داشته اما جمهوری اسلامی ایران سهم ناچیزی در تحرک دانشجویان بین‌المللی در جهان دارد. طبق جدیدترین آمار در حال حاضر بالغ بر ۳۹ هزار دانشجوی بین‌المللی از کشورهای مختلف به خصوص کشورهای مسلمان و همجوار در دانشگاه‌های داخل کشور مشغول به تحصیل هستند که این رقم با احتساب دانشجویان جامعه‌المصطفی به بیش از ۵۰ هزار دانشجوی بین‌المللی می‌رسد (خبرنامه وزارت علوم، ۱۳۹۸).

امروزه، بین‌المللی سازی دانشگاه‌ها و جذب هرچه بیشتر دانشجو به یکی از مهمترین دغدغه‌ها و برنامه‌های سیاستی وزارت علوم تبدیل شده است و سؤال اینجاست که فرایند فرهنگ‌پذیری دانشجویان بین‌المللی در جامعه ایران به چه شکلی صورت می‌گیرد؟ تحقیقات صورت گرفته در خصوص دانشجویان بین‌المللی مشغول به تحصیل در ایران بسیار محدود، در سطحی کلان و با رویکردهای سیاستگذارانه و عموماً در ذیل موضوع بین‌المللی سازی آموزش عالی تدوین شده‌اند (ماحوزی، ۱۳۹۵؛ ذاکر صالحی، ۱۳۹۵؛ اصغری، ۱۳۹۶؛ حسینی مقدم، ۱۳۹۶ و مولایی، ۱۳۹۷) که در این میان آسیب شناسی زیست بوم رفاهی و خدماتی دانشجویان در صدر مسائل مطرح قرار گرفته است. از سوی دیگر، پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه مهاجران افغانستانی ساکن ایران با تمرکز بر چالش‌های هویت‌یابی (عباسی و صادقی،

۲۰۱۴)، تفاوت‌های نسلی (سعیدی، ۱۳۹۶) یا تجربه‌های تحصیلی در دوران دانش آموزی (نصر اصفهانی و حسینی، ۱۳۹۵؛ میرزایی، ۱۳۹۶) عمدتاً متمرکز بوده و تاکنون مطالعه‌ای کیفی در خصوص تجربه مهاجران افغانستانی در مواجهه با آموزش عالی ایران صورت نگرفته است. در حالی که مطالعات فراوانی به بررسی موضوع دانشجویان بین‌المللی در ایران پرداخته، مطالعات با رویکرد جنسیتی کم‌شمار هستند. یکی از ابعاد مهم در مهاجرت به‌ویژه مهاجرت‌های تحصیلی، افزایش فرصت‌های برابر و دسترسی به منابع بیشتر برای پیشرفت و توان‌افزایی است. بوی (۲۰۱۴) در مطالعه خود نشان می‌دهد که تفاوت جنسیتی در نگرش دانشجویان مالایایی از تحصیلی در خارج از کشور وجود دارد و یکی از دلایل دختران برای تحصیل در خارج از کشور، وجود نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه کسب فرصت‌های شغلی در کشورشان است. نتایج او نشان داد دختران مالایایی تحصیل در خارج از کشور را علاوه بر ابعاد تحصیلی، به عنوان فرصتی برای تجربه فرهنگ متفاوت و آشنایی با سبک‌های جدید زندگی و همچنین کسب استقلال تفسیر می‌کنند؛ این در حالی است که پسران مالایایی فقط بر کسب اهداف تحصیلی تأکید می‌کنند. رشد، پیشرفت و کسب استقلال فردی یکی دیگر از ابعاد است که دختران در مهاجرت‌های تحصیلی به آن اشاره می‌کنند. از این نظر تحصیل در خارج از کشور فرصت‌هایی بیشتر از کسب مدرک تحصیلی به آنها می‌دهد.

جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین کشورهای میزبان مهاجران افغانستان در چهار دهه گذشته بوده است و جامعه دانشجویان افغانستانی با اختلافی بسیار، بزرگترین گروه دانشجویان بین‌المللی در آموزش عالی ایران است که عمدتاً به دلیل قرابت فرهنگی، زبانی و مذهبی و همچنین پایین بودن شهریه تحصیل، ایران را به عنوان مقصد مهاجرت تحصیلی انتخاب می‌کنند. پژوهش فتیحی، اجارگاه و همکاران (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که دانشجویان افغانستانی موانع درون دانشگاهی و برون دانشگاهی را نسبت به سایر ملیت‌ها در سطح بالاتری ارزیابی کرده‌اند. به نظر می‌رسد، مطالعه تجربه زیسته دانشجویان افغانستانی به صورت متمرکز و جامع می‌تواند به فهم الگوهای رفتاری این گروه کمک نماید. در این راستا پژوهش پیش رو درصدد پاسخگویی به این سؤال است که مهمترین موانع و چالش‌های دانشجویان افغانستانی در مرحله ورود به آموزش عالی ایران چیست و تجربه زیسته دختران دانشجوی افغانستانی در مرحله ورود به دانشگاه چگونه در فرایند فرهنگ‌پذیری آنان صورت‌بندی می‌شود.

یکی از مهمترین نقاط ضعف در موضوع بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران داشتن رویکردی کل‌نگرانه^۱ و تک بعدی به دانشجویان است. براساس رویکرد انسان شناختی به مسائل

۱ . Holistic

اجتماعی تلاش شده است با پیش فرض قرار دادن تنوع و تفاوت‌های فرهنگی ملیت‌های حاضر در آموزش عالی ایران صدای یکی از مهمترین گروه‌های در حاشیه مانده در فرایند سیاستگذاری برجسته شود. با توجه به داده‌های بدست آمده از این پژوهش دانشجویان افغانستانی در آموزش عالی ایران دسته‌بندی متنوعی دارند:

- (۱) دانشجویان متولد/ بزرگ شده ایران که تجربه مستقیمی از کشور افغانستان نداشته و با هم‌تایان ایرانی جامعه‌پذیری را تجربه کرده‌اند؛
- (۲) متولد افغانستان و بزرگ شده ایران؛
- (۳) بزرگ شده ایران، بازگشت به افغانستان، بازگشت به ایران برای ادامه تحصیلات تکمیلی؛
- (۴) مهاجرت تحصیلی مستقیم از افغانستان (مسافران)^۱.

در این پژوهش دانشجویان مهاجر به اعضای گروه ۱، ۲ و ۳ اطلاق می‌شود که بیش از سه چهارم جمعیت دانشجویان غیرایرانی را تشکیل می‌دهند. براساس تعریف یونسکو (۲۰۱۵) "دانشجوی بین‌المللی سیار"^۲ به فردی اطلاق می‌شود که به صورت فیزیکی مرزهای بین‌المللی را طی می‌کند و در کشور دیگری که با کشور مبدأ او متفاوت است در یک فعالیت آموزشی فعالیت می‌کند. دانشجوی خارجی^۳ به معنای فردی است که با تابعیتی غیر از کشور میزبان در آموزش عالی ثبت‌نام کرده باشد. در نتیجه تنها گروهی که قابلیت دانشجوی بین‌المللی اطلاق شدن را دارد اعضای گروه ۴ می‌باشند.

۲ . Sojourners

۳ . International mobile student

۴ . Foreign student

۲. چارچوب نظری

مدل‌های ارائه شده در حوزه فرهنگ‌پذیری مهاجران همچون مدل ادغام قومی گیدنز (۱۳۹۶)، نظریه همانندگردی قطاعی^۱ پورترز و همکاران (۲۰۰۹)، مدل فرهنگ‌پذیری تعاملی آبرهیس و همکاران (۱۹۹۷) و نظریه همانندگردی گوردن (۱۹۶۴) قابلیت اعمال بر بخش‌هایی از تجربه زیسته دانشجویان افغانستانی را دارا هستند اما هیچ‌یک به تنهایی توانایی تحلیل رفتارهای مهاجرتی دانشجویان را نخواهند داشت و می‌بایست در مدلی تلفیقی نقاط ضعف مدل‌های ارائه شده به حداقل برسد.

دنتاکس و همکاران (۲۰۱۶) مدل جایگزین "انگیزه‌های فرهنگ‌پذیری"^۳ را ارائه کردند که به معنای تمایل و کشش درونی^۴ افراد به درگیر شدن و ادغام در جامعه میزبان، تمایل به آموختن در خصوص فرهنگ جامعه میزبان، تمایل به شکل‌دهی دوستی با اعضای جامعه میزبان و کشش داشتن نسبت به جستجو و کنکاش در خصوص محیط فرهنگی و اجتماعی جامعه میزبان است. در واقع، اگر فرهنگ‌پذیری فرایند آموختن در خصوص فرهنگ جامعه میزبان باشد، انگیزه‌های فرهنگ‌پذیری، به تمایل و احساس نیاز افراد به درگیر شدن در این فرایند^۵ تعریف شده است. یکی از مهمترین شاخص‌های مدل انگیزه‌های فرهنگ‌پذیری خصلت فردی آن است، چرا که انگیزه‌های افراد برای ادغام فرهنگی با جامعه میزبان از فردی به فرد دیگر متفاوت است (چیرکف و همکاران، ۲۰۰۷).

اعمال این مدل بر الگوهای رفتاری دانشجویان افغانستانی در آموزش عالی ایران دریچه جدید و مهمی را به واکاوی چرایی تفاوت‌های رفتاری این گروه با سایر دانشجویان باز خواهد کرد، چرا که ایده محوری پژوهش بر این مینا استوار شده است که به دلیل تجربه سال‌ها محرومیت‌های ساختاری در جامعه ایران و فرایند پر چالش ورود به آموزش عالی ایران، "تمایل و کشش" دانشجویان افغانستانی به فرهنگ‌پذیری با روند کلی^۶ جامعه ایران کاهش یافته و یا کلاً از بین می‌رود.

۱. Segmented assimilation
۲. The Interactive Acculturation Model (IAM)
۳. Acculturation motivations
۴. Willingness
۵. The desire to engage in this process
۶. Mainstream

۳. روش‌شناسی

پژوهش کیفی و ژرفانگر پیش‌روی به دنبال فهم تجربه زیسته دانشجویان بین‌المللی در آموزش عالی ایران است. داده‌های پژوهش در بازه فروردین ۱۳۹۸ لغایت خرداد ۱۳۹۹ در دانشگاه‌های دولتی در سه شهر تهران، مشهد و قم جمع‌آوری شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات ترکیبی از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، مصاحبه تعاملی و نیمه ساختمند با ۷۱ دانشجوی افغانستانی با حداقل سابقه یک سال^۱ حضور در ایران و مصاحبه متخصصان^۲ (میوسر و ناگل، ۲۰۰۹) با نهادهایی چون سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، امور بین‌الملل نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، انجمن‌های دانشجویی و مدیران دفاتر امور بین‌الملل دانشگاه‌ها بوده است. همچنین مردم‌نگاری مجازی (بولستورف، ۲۰۱۰) با استراتژی مردم‌نگاری مشاهده‌ای^۳ (پیگیری نظام‌مند و مستمر صفحات اینستاگرام، فیس‌بوک و تلگرام گروه‌های دانشجویی) مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به پراکندگی مکانی گروه هدف از نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد و به منظور رعایت حداکثر گوناگونی^۴ و تنوع قومیتی (مهمترین اقوام افغانستان شامل تاجیک، پشتون، هزاره، ازبیک و قزلباش) و تنوع تجربه اقامت در ایران نمونه‌گیری هدفمند مورد استفاده قرار گرفت. روش تحلیل مضمون^۵ (گست و همکاران، ۲۰۱۱) در بستر چارچوب تحلیل جنسیت^۶ (وارن، ۲۰۰۷) برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های به‌دست‌آمده استفاده شده است که با توجه به بافت داده، به صورت استقرایی با کدگذاری مضامین تکرار شونده و استخراج برچسب‌های اولیه، مقولات و زیرمقولات تولید شده‌اند. در تحلیل مضمون داده به مثابه معناست و شامل داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای است و محقق با طبقه‌بندی و مقوله‌بندی داده‌ها به الگویابی داده‌ها و کدگذاری صورت گرفته و در نهایت استخراج یک سری مفاهیم و الگوهای بنیادین معنایی می‌پردازد. همچنین در تحلیل داده‌های به دست آمده، عناصر شفاهی، متنی و نمادین موجود در میدان مطالعه، مورد مذاقه قرار گرفته است. در این رابطه اظهارات مشارکت‌کنندگان در پژوهش به همراه داده‌های به دست آمده از مشاهدات میدانی پژوهشگر در قالب مقولات مرتبط دسته‌بندی گردید. به منظور رعایت نمودن اخلاق^۷ در پژوهش کیفی کلیه مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه، حفظ گمنامی، محرمانه بودن داده‌ها و حق کناره‌گیری در هر زمان از جریان مشارکت در تحقیق به تأیید کتبی مشارکت‌کنندگان رسیده است. پس از اتمام مصاحبه و به

۱. براساس اسناد سازمان ملل متحد به کسی که حداقل ۱ سال خارج از محل تولدش حضور داشته باشد مهاجر بین‌المللی گفته می‌شود.

۲. Expert interview
۳. Observation ethnography
۴. Maximum variation of sampling
۵. Thematic analysis
۶. Gender-analysis frameworks
۷. Ethics

تحلیل جنسیتی چالش‌های دانشجویان افغانستانی در ورود به نظام آموزش عالی ایران

منظور تأمین کیفیت، مقبولیت^۱ و عینیت‌پذیری^۲ داده‌ها، روش‌های مختلفی چون بازبینی مشارکت کنندگان^۳ برای تأیید و اصلاح کدها، درگیری طولانی‌مدت محقق^۴ و لحاظ نمودن زمان مناسب برای جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

۸. یافته‌ها

۸-۱. دانشگاه بستر ساز تحرک عمودی^۵ دختران

امروزه، تغییرات جنسیتی در آموزش عالی ایران بسیاری از تعاملات در دانشگاه، جامعه و نهاد خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. براساس نظریه سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری در آموزش عالی فرایند دستیابی به امنیت اجتماعی و توانمندی را تسهیل می‌نماید. مهارت آموزی و آموزش ارتباط مستقیمی با افزایش سرمایه انسانی دختران دارد و در رشد و بهبود شاخص‌های توسعه تأثیرگذار است. آموزش و ارتقای علمی دختران بستر ساز حضور بیشتر آنان در عرصه تصمیم‌گیری در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و فردی زندگی است و همچنین سرمایه‌گذاری در آموزش دختران در بهبود کیفیت فرزندپروری نیز نمود می‌یابد. شکاف جنسیتی به عنوان یکی از مهمترین عوامل تشدیدکننده آسیب‌های اجتماعی بوده که طی سال‌های اخیر در حوزه آموزش از لحاظ افزایش کمیت حضور دختران بهبود چشمگیری داشته است. این الگو در میان دانشجویان افغانستانی نیز با آهنگی آهسته‌تر مشهود است.

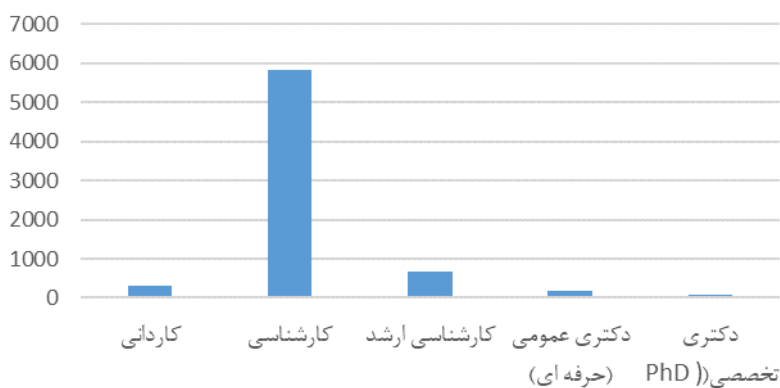
جدول (۱) تعداد دانشجویان زن افغانستانی در مؤسسات آموزش عالی کل کشور در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷

جمع کل	دکتری تخصصی (PhD)	دکتری عمومی (حرفه‌ای)	کارشناسی ارشد	کارشناسی	کاردانی
۳۶۶۳	۵۵	۰	۴۱۲	۳۰۹۱	۱۰۵
۶۲۶	۵	۰	۶۵	۵۵۵	۱
۹۹۷	۱۶	۱۷۳	۵۰	۷۱۷	۴۱
۱۱۴۰	۴	۰	۷۰	۱۰۱۲	۵۴
۱۳۳	۲	۱	۳۴	۹۴	۲
۴۷۳	۲	۰	۲۶	۳۵۴	۹۱
۷۰۳۲	۸۴	۱۷۴	۶۵۷	۵۸۲۳	۲۹۴

منبع: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۸

۱. Credibility
۲. Conformability
۳. Mmember check
۴. Prolonged engagement
۵. Upward mobility

دختران افغانستانی سهم نسبتاً بسیاری در دانشگاه‌های ایران داشته‌اند هرچند که در سال‌های اخیر و به‌ویژه بعد از الزام قانونی بر تغییر وضعیت اقامتی دانشجویان (از کارت آمایش به پاسپورت) حضور دختران با ریزش بیشتری مواجه شده است. سهم دختران ایرانی در مقطع کارشناسی بیشتر بوده و در تحصیلات تکمیلی آمار دانشجویان دختر افت تاحدی افت می‌نماید. این الگو در خصوص دختران دانشجوی افغانستانی تشدید شده است.



شکل (۱) نمودار تعداد دانشجویان زن افغانستانی در مقاطع مختلف تحصیلی در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷
منبع: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۸

روندهای جهانی نشان می‌دهد که بحث دانشجویان بین‌المللی بر تحصیلات تکمیلی متمرکز است. درحالی‌که در ایران بیشترین سهم حضور دانشجویان بین‌المللی در دوره کارشناسی (۶۴ درصد) است. یکی از مهمترین دلایل این پدیده، بالا بودن سهم دانشجویان افغانستانی (متولد/بزرگ شده) در ایران است. برای بسیاری از محققان این پژوهش، دانشگاه "تنها گزینه در دسترس" و "تنها انتخاب" بود چراکه بازار کار به صورت رسمی با ممنوعیت‌های گسترده‌ای^۱ همراه است؛ لذا، دانشگاه به عنوان یک مزیت اجتماعی قابل حصول، برای افراد تجربه فرصت‌ها و موقعیت‌های جدید را فراهم می‌سازد و به مهاجران چند صباحی امکان حضور در اجتماع را می‌دهد. گلبهار متولد مشهد دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته فیزیک، دانشجو بودن را بهترین تجربه مهاجرت در ایران دانسته و دانشگاه را فضای مناسبی برای یادگیری تعامل با سایرین برشمرده است:

^۱. لیست مشاغل مجاز برای اتباع افغانستانی از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هر ساله ابلاغ می‌شود که با محوریت کارهاییدی و خدماتی در حوزه‌های کارهای ساختمانی، کوره پزخانه‌ها، کارهای کشاورزی و مشاغل چوب‌خاکی، کارگر ریخته‌گری، مرغداری و سیرابی، روده پاک کن و ... را شامل در بر می‌گیرد.

«در ایران شرایط به شکلی است که همه برای دانشگاه رفتن تقلا می‌کنند، اصلاً وارد مدرسه می‌شوی که به دانشگاه برسی. تا دهه هشتاد شمسی این جو در میان خانواده‌های افغانستانی کم‌رنگ بود یا اصلاً نبود ولی از دهه نود این موج به مهاجران هم سرایت کرده. یکجوری باید خودمان رو سرگرم کنیم دیگر به هرحال. انگار همگی در یک رودی قرار داریم که بالاخره دارد می‌رود، ما هم سوار یکسری قایق شکسته و در جریانیم. من در دوران دانشجویی خودم را کشف کردم. دانشگاه برای من بستر مناسبی بود که از ساختار سنتی خانواده تاحدی دور بشوم و در این فرصت خودم را و علاقم را بشناسم، فرصت تنهایی مسافرت رفتن (اردوی دانشجویی)، کافه و سینما رفتن با دوستان و تجربه معاشرت با آدم‌های متنوع با ملیت و قومیت‌های متفاوت در خوابگاه آموزنده است.»

تفاوت‌های موجود در نقش‌های جنسیتی و فرایند جامعه‌پذیری دختران و پسران افغانستانی الگوهای رفتاری متفاوتی را در مواجهه آنها با الزامات نهاد آموزش صورت‌بندی می‌کند. مطالعه ایچی موتو (۲۰۰۴) در بین دختران ژاپنی نشان داد که بدلیل فشارهای هنجاری و فرهنگی جامعه، برای ازدواج و همچنین ترک شغل پس از ازدواج باعث شده که آنها تحصیل در دانشگاه را به عنوان راهی برای رهایی از فشارهای هنجاری جامعه و والدین انتخاب کنند. نهاد آموزش عالی برای بسیاری از دختران، به عنوان هنجاری‌ترین و کم هزینه‌ترین مسیر در جهت نیل به ترفیع موقعیت اجتماعی فرد در رابطه با خانواده، جامعه و اطرافیان و کوتاهترین مسیر برای عبور از محدودیت‌ها و کسب سرمایه فرهنگی و مجاب کردن خانواده برای زیست انفرادی است. بالالوساسا (۱۹۹۸) با مطالعه دانشجویان دختر آفریقایی که در انگلستان در حال تحصیل بودند نشان داد که تحصیل خارج از کشور برای آنها از منظر فرصتی برای رشد و استقلال فردی و کسب موقعیت‌های برتر در مقایسه با خانواده، دوستان و هم‌کلاسی‌های و اثبات توانایی و استعدادهاى تحصیلی تلقی می‌شود. هدف بسیاری از دختران از ورود به آموزش عالی، ارتقای سطح علمی خود و دستیابی به ارزش‌ها و نمادهای هویت بخش است تا بدین وسیله به ارتقای هویت فرهنگی خود و خانواده‌شان از یکسو و دستیابی به بستری برای کسب سرمایه اقتصادی از سوی دیگر بهره جویند. یکی از مهمترین موقعیت‌های اجتماعی که دانشگاه برای جوانان مهاجر (همگام با همالان ایرانی) فراهم می‌سازد امکان تجربه ارتباطات جدید است. دختران مهاجر در سپهر دانشگاه موقعیت تجربه‌های اجتماعی را بدست می‌آورند و با شکل‌دهی به تعاملات انسانی هم با هم‌تایان ایرانی و هم با دانشجویان سایر ملل جامعه‌پذیر شده و برای برهه‌های بعدی زندگی آماده می‌شوند. دانشگاه، فضایی برای تردید و به پرسش گرفتن اصول پذیرفته شده را در اختیار دانشجویان قرار داده است که به بازتعریف هویت فرد و نحوه مواجهه‌اش با دنیای پیرامون منجر می‌شود. هرچند که این بازخوانی و تقریر دوباره از سنت، فرایندی پرهزینه بوده که با مخالفت و مقاومت همراه است.

۴-۲. مهاجران افغانستانی و کنکور: آزمونی با سختی مضاعف

آزمون ورودی به دانشگاه‌های ایران با شکلی کاملاً متمرکز که با عنوان کنکور شناخته می‌شود. برای اکثریت قریب به اتفاق دانش آموزان رؤیای ورود به دانشگاه همواره با غول کنکور به محاق می‌رود و این آزمون متمرکز برای اتباع افغانستانی ساکن در ایران با چالش‌های مضاعفی همراه است. هر ساله سازمان سنجش کشور، اداره اتباع خارجی وزارت کشور و وزارت علوم هر کدام پیش شرط‌هایی را برای متقاضیان اعلام می‌نمایند. پلوشه دانشجوی دانشگاه امیرکبیر در مقطع کارشناسی کنکور را یکی از تلخ‌ترین تجربه‌های زندگی خود دانسته و از چالش‌های مضاعف مهاجران در این آزمون می‌گوید:

«کنکور در دوران مدرسه خواب راحت را از چشم همه همکلاسی‌هایم ربوده بود. یک اتفاق سخت که همه چیز آدم به موفقیت در آن بستگی داشت. دوستان ایرانی خب راحت‌تر به کلاس‌های آمادگی می‌رفتند ولی پدر من بنا بود و مادرم خانه‌دار در نتیجه همین که شهریه مدرسه‌ام را می‌پرداختند فشار زیادی به خانواده بود. رسیدن به دانشگاه اگرچه برای همه هم سن و سال‌های ما آرزو بود ولی در میان دانش آموزان افغانستانی این آرزو دست نیافتنی‌تر جلوه می‌کند چراکه براساس قانون یکسری شهرهای مهم و رشته‌های خوب را از اول از دست می‌دهی. شانس آدم بسیار پایین می‌آید چون تو نمی‌توانی هرجایی را انتخاب رشته کنی. شهریه هم خودش داستان مفصلی است. حتی اگر با تمام تلاش‌هایت خانواده را مجاب کنی که در کنکور شرکت کنی و به مرحله تأیید مدارک برسی تازه می‌رسی به اصل مطلب که پرداخت شهریه است حتی اگر رتبه خوبی کسب کرده باشی. من فکر می‌کنم کنکور برای ما مهاجران یک نماد است از اینکه برای بار هزارم به ما یادآوری کنند که تو مال اینجا نیستی، غریبه هستی و باید با زور و سختی خودمان را از این کانال سخت وارد دانشگاه کنیم. یکجورایی انگار وارد چرخ گوشت می‌شوی و بعد له و فرسوده وارد دانشگاه می‌شویم.»

مسئله "شهرها و رشته‌های ممنوعه" به کرات در مصاحبه‌های صورت گرفته توسط مطلعین بیان شده است چراکه این آزمون بشدت رقابتی، بر شانس متقاضیان تأثیرات زیادی می‌گذارد. نهادهای ذی‌ربط برای تمامی اتباع خارجی که قصد شرکت در کنکور و ادامه تحصیل در دانشگاه‌های کشور ایران را دارند یک سری از رشته‌های ممنوعه^۱ و شهرهای ممنوعه را اعلام نموده است که به صورت نظام‌مند و عریان هر ساله در سطح عمومی منتشر می‌شود و بر موقتی و بی‌ثبات بودن موقعیت مهاجران تأکید می‌کند. دختران دانشجو با تبعیض مضاعفی در این حوزه مواجه می‌شوند چراکه موانع نگرشی و هنجاری خانواده در مورد غیرضروری بودن تحصیل برای دختران، عدم تمایل و اجازه خانواده برای تحصیل در شهرهای دیگر به تعمیق نابرابری دسترسی به منابع می‌انجامد که به ریزش حضور دختران افغانستانی در آموزش عالی منجر خواهد شد.

۱. به معنای روشنی، شعاع آفتاب

۲. رشته‌های ممنوعه همچون فیزیک اتمی، مهندسی پلاسما، مهندسی هوا فضا، مهندسی کامپیوتر (گرایش رایانش امن)، فناوری اطلاعات (گرایش مخابرات امن)

۴-۳. چالش‌های بوروکراتیک: انتقال از آموزش و پرورش به آموزش عالی

براساس نتایج مطالعه پیش رو چالش‌های دانشجویان افغانستانی قبل از ورود به آموزش عالی شکل می‌گیرد که فرایند انتقال اداری از آموزش و پرورش به آموزش عالی یکی از مهمترین بسترهای آن است. تحقیر، تبعیض ساختاری و مسیر پر دست انداز بوروکراتیک در بسیاری از مصاحبه‌ها به عنوان اولین تجربه مهاجران افغانستانی از دانشجو شدن در ایران است که از آن به عنوان "تجربه‌ای تلخ و پردردسر" یاد می‌کنند. اسپوژمی^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، متولد بندرعباس است و به همراه خانواده‌اش که بعد از حمله شوروی به افغانستان به ایران پناهنده شده‌اند در قم زندگی می‌کند. تعدد ادارات ناظر بر اعمال مهاجران را یک چالش بزرگ می‌داند:

«به عنوان یک مهاجر نصف بیشتر عمرمان را در صف امضا گرفتن در اداره‌های رنگارنگ سپری می‌کنیم. از صف نیروی انتظامی گرفته تا دفتر کفالت تا اداره اتباع. وقتی هم که بخواهی مسیر علم آموزی را طی کنی یکسری اداره‌های جدید اضافه می‌شود. وقتی از دبیرستان فارغ‌التحصیل شدم باید هفت خان رستم را طی می‌کردم. نهادهایی که در این میان نیاز به مراجعه حضوری داشتند شامل مدرسه مبدأ، آموزش و پرورش ناحیه، آموزش و پرورش استان مبدأ، سفارت کبری افغانستان، وزارت امور خارجه، وزارت علوم (سازمان امور دانشجویان)، دانشگاه مقصد، بخش کنسولی دانشگاه مقصد، اداره اتباع شهرستان مبدأ، نیروی انتظامی تهران، نیروی انتظامی شهرستان محل تحصیل، دانشگاه مقصد و سازمان سنجش. بخشی مربوط به تأیید مدارک بود و بخشی مربوط به امور کنسولی و روند تعویض کارت شناسایی و پاسپورت دانشجویی. چندین هفته و ماه این فرایند بعضاً به طول می‌انجامد. برای افرادی همچون من که محل سکونت و محل دانشگاه پذیرش شده متفاوت است این فرایند طولانی به معنای رفت و آمد هر روزه بین دو استان است که هم هزینه‌های زیادی به خانواده وارد می‌کرد و هم نیازمند یافتن جایی برای ماندن در شب بود. با توجه به اینکه خانواده سنتی هم دارم پدرم به هیچ عنوان اجازه نمی‌داد که این مسیر را به تنهایی طی کنم و مجبور می‌شد همراه من بیاید و از کار خودش که روزمزد بود می‌ماند. ببینید چقدر هزینه اقتصادی و زمانی به خانواده وارد می‌شود. خیلی از خانواده‌ها حاضر نیستند این همه وقت و پول صرف درس خواندن فرزندانشان به‌ویژه دختران کنند.»

سیاست اعمال شده در حوزه مهاجران با تمرکز بر ایده بازگشت پایدار، در پس‌زمینه ذهنی دولتمردان ایرانی همواره پررنگ بوده اما به نظر می‌رسد روز به روز ناکارآمدتر شده است چراکه ظهور نسل دوم و سوم مهاجرانی که شناخت و ذهنیتی از افغانستان به عنوان وطن ندارند عملاً راه هر گونه بازگشت را بسته نگه داشته است. تمرکز و تأکید بر این سیاست، منجر به تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های دست و پاگیر به منظور فشار حداکثری به گروه هدف شده است. دختران مهاجر بزرگترین قربانی این

^۱ . به معنای مهتاب

بازی هستند چراکه هزینه‌های مالی و زمانی به وجود آمده عاملیت آنها را در نهاد خانواده در خصوص ادامه تحصیل با چالش‌های مضاعف مواجه می‌کند. روشن نبودن افق دسترسی به بازار کار در کنار چالش‌های بوروکراتیک ورود به دانشگاه، عملاً به کاهش چشمگیر قدرت چانه زنی دختران در زندگی فردی منجر می‌شود.

از سوی دیگر، به دلیل مسئله چند دولتی بودن یا نهادهای موازی و متعدد در حوزه مهاجران که عموماً تصمیمات را به شکل فردی و بدون ارتباط یا هماهنگی با نهادهای دیگر می‌گیرند؛ انتقال از یک مرحله به مرحله دیگر برای مهاجران به معنای نامه‌نگاری و پیگیری مضاعف در بین سازمان‌های متعدد است. مقوله "تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه مهاجران" در این بخش هم خودنمایی می‌کند چراکه در بسیاری از موارد موازی کاری نهادهای ذی‌ربط به تشدید کاغذبازی و سردرگمی مراجعان مهاجر می‌انجامد. افغان‌گل فارغ‌التحصیل رشته جمعیت‌شناسی می‌افزاید:

« یکی از مهمترین مشکلات دانشجویان اتباع افغانستانی بحث ثبت نام است. بهتر است یک کد مشخصی را برای هر دانشجویی اتباع داشته باشد که از همان اولین کنکور کارشناسی با فرد باشد و تمامی اطلاعات فردی در آن کد مشخص و ثبت شده باشد در نتیجه هر سری برای ثبت نام نیاز به وارد کردن مجدد جزئیات اطلاعات فردی نداشته باشد. هر سری شاهد هستم که چقدر دانش آموزان و دانشجویان مهاجر برای ثبت نام در سامانه‌های کنکور با مشکل مواجه هستند و خیلی وقت‌ها زمان را از دست می‌دهی چون کسی نیست کمک کند به خصوص، در شهرهای کوچک. من به کارشناس نظرسنجی سازمان سنجش پیشنهاد دادم که سازمان امور دانشجویان اطلاعات جامعی از دانشجویان دارد و همکاری دو سازمان چالش ثبت نام اتباع را از بین می‌برد ولی ایشان گفتند سازمان سنجش و سازمان امور دانشجویان هر کدام مأموریت‌های خود را دارند. انگار هر کدام در یک جزیره جدا هستند. در حالیکه اگر همکاری بین سازمانی درست شکل بگیرد منفعت آن هم به جامعه ایران می‌رسد و هم شرایط زندگی مهاجران تسهیل می‌شود. »

نبود پایگاه اطلاعاتی واحد که مشخصات فردی و آموزشی مهاجران را به صورت درازمدت ثبت نماید؛ یکی از مهمترین عوامل تشدید چالش‌های دانش آموزان و دانشجویان افغانستانی است. به نظر می‌رسد با همکاری و تعامل سازنده، بین نهادهای ذی‌ربط و شکل دهی به یک سامانه جامع اطلاعاتی به تسهیل فرایند فرهنگ‌پذیری دانشجویان کمک خواهد کرد. استوری^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علم و صنعت متولد ورامین فرایند ورود به دانشگاه را برای یک مهاجر افغانستانی روندی تحقیق‌آمیز و همراه با تبعیض می‌داند که در ذهنیت فرد در دانشگاه تأثیرگذار است:

«در پایان دوران دبیرستان برای تبدیل وضعیت اقامتی و هم‌چنین فارغ‌التحصیلی از مدرسه و ارائه مدارک به سازمان سنجش و بعداً دانشگاه باید بسیار دوید. یکی از مهمترین مراحل که خیلی از دانش آموزان افغانستانی در آن گیر می‌کنند و حتی باعث ریزش بسیاری از افراد

^۱. به معنای ستاره

تحلیل جنسیتی چالش‌های دانشجویان افغانستانی در ورود به نظام آموزش عالی ایران

برای ورود به دانشگاه می‌شود؛ مرحله ثبت نام برای کنکور است. ما چون شماره شناسنامه و کد ملی نداریم برای ثبت نام در سامانه کنکور مشکل داریم. اخیراً یک کد اختصاصی (کد پیگیری اتباع) برای اتباع نیاز است که یک لینکی در سامانه قرار گرفته و باید یکسری مشخصات را پر کنیم و در آخر سر یک کد ۱۳ رقمی به فرد داده می‌شود و بعد از دریافت این کد، متقاضی مجدداً وارد سامانه ثبت نام کنکور شده و ثبت نام را تکمیل می‌کند. مشکل این است که ما باید مدارک خود ایرانی‌ها را (اشاره به ریزنمرات و مدارک تحصیلی مدارس) را برای خود ایرانی‌ها تأیید کنیم. این فرایند پرچالش و طولانی احساس ناخوشایندی به آدم می‌دهد. گویی که شما به اجبار و به زور می‌خواهی خودت را به این سیستم تحمیل کنی در حالیکه داری درس می‌خوانی و با استعداد و تلاش خودت در کنکور قبول می‌شوی.»

فرایند طولانی تأیید مدارک برای انتقال از دبیرستان به دانشگاه که نیازمند مراجعات متعدد بین-سازمانی است هزینه‌های مالی و زمانی بسیاری از متقاضیان ورود به دانشگاه را می‌گیرد. در پاره‌ای از موارد به علت تعلل کارمندان مدارک فرد در زمان مناسب به دانشگاه ارسال نمی‌شود و دانشجو با تأخیر ثبت نام می‌کند. براساس مطالعات جهانی صورت گرفته (اداره آموزش بین‌المللی کانادا، ۲۰۱۸) هر چه دانشجویان بین‌المللی سریع‌تر و به موقع، به شهر و محیط دانشگاه وارد شوند؛ فرایند ادغام آنها سریع‌تر خواهد بود. در این راستا بسیاری از دانشگاه‌های دنیا نامه پذیرش و مجوز ورود دانشجویان بین‌المللی را زودتر از دانشجویان بومی تهیه و ارسال می‌کنند تا مقدمات ورود زود هنگام این افراد را مهیا سازند. از آنجا که بیشتر ارتباطات دوستانه در میان دانشجویان در فضای کلاس درس، گروه‌های مطالعاتی و گروه بندی پروژه‌های درسی شکل می‌گیرد تأخیر ورود دانشجویان افغانستانی به روند کلاس با توجه به پیش‌داوری‌های موجود، منجر به انزوای بیشتر این دانشجویان می‌شود. مشکل دیگری که این امر ایجاد می‌کند، افزایش بار مالی تحصیل در ایران است چرا که دانشجو، در این دوران یک تا دو ماه مجبور به تهیه اسکان و غذا است، تا وضعیت بلا تکلیفش معین شود.

ع-۴. ضعف اطلاع رسانی

بسیاری از پژوهش‌ها (چوداها و همکاران، ۲۰۱۳؛ چاوشی و وینتر، ۲۰۱۳) اشاره می‌کنند که سیاست-گذاری‌های تشویقی و تلاش‌های بازاریابی دانشگاه‌ها در تشویق دانشجویان بین‌المللی مؤثر است اما همچنان بالاترین نقش را در این فرایند، قدرت افواهی و انتقال اطلاعات به صورت شفاهی بین افراد است. تسهیلات رفاهی و خدمات آموزشی دانشگاه‌ها در ذهنیت افراد اثرگذار است؛ اما بسیاری از دانشجویان به‌ویژه، دانشجویان بین‌المللی بر مبنای تجربیات زیسته دانشجویان قبلی از تجربه در دانشگاه‌های کشورهای مختلف تصمیم‌گیری می‌کنند. "عدم اطلاع رسانی مناسب نسبت به رشته و شهرهای دانشگاهی، خدمات دانشگاه مقصد به‌ویژه تسهیلات خوابگاه و ضوابط مصوب در خصوص

^۱. CBIE (Canada Bureau for International Education)

شهریه و تعهدات دانشجوی/دانشگاه " یکی از چالش‌های مشارکت کنندگان در این پژوهش بوده است. در چندین مصاحبه، مصاحبه‌شوندگان به اطلاعات متناقضی که سفارت ایران در اختیار افراد قرار می‌داد اشاره داشتند که در تصمیم آنها تأثیرات منفی گذاشته است. صحرا دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی به-رغم داشتن بورسیه از کشور هند، ایران را به عنوان مقصد تحصیلی خود انتخاب کرده و معتقد است علاوه بر قرابت زبانی و مذهبی، اعتبار مدارک دانشگاهی ایرانی یکی از مهمترین دلایل این تصمیم بوده است:

«برای من امکان مهاجرت به هند هم بود، ولی، ترجیح دادم به ایران بیایم. کشور هم فرهنگ و هم زبان برای زندگی راحت‌تر است. هرچند باید اذعان کنم که اقوامی که سال‌ها در ایران زندگی می‌کردند دائم به من می‌گفتند که داری اشتباه می‌کنی. در برخی رشته‌ها مثل پزشکی مدرک دانشگاه‌های ایران معتبرتر از هند است. در بین مردم افغانستان فارغ-التحصیلان دانشگاه‌های ایران باسواد خوانده می‌شوند. قبل از آمدن به ایران وبسایت دانشگاه اطلاعات نسبتاً خوبی را ارائه می‌کرد. به نظرم دانشگاه‌های علوم پزشکی در این راستا پیشروتر هستند یکی از دوستان به دنبال موقعیت دکتری در رشته روابط بین‌الملل بود؛ ولی، اطلاعات صفحات شخصی بسیاری از اساتید به‌روزرسانی نشده بود و یا ایمیل و تلفنشان را جواب نمی‌دادند و جزییات دوره و شرایط و ضوابط مشخص نبود، از آمدن به ایران منصرف شد و الآن در امارات است. هر چه بیشتر از شهر و دانشگاه اطلاعات در دسترس متقاضیان باشد انتخاب افراد دقیق‌تر خواهد بود.»

تحقیقات جهانی به تأثیر دانش و آگاهی افراد در مرحله پیشامهاجرت نسبت به کشور مقصد در سرعت فرایند فرهنگ‌پذیری افراد تأکید داشته‌اند (اندريد، ۲۰۰۶). بن‌سال و همکاران (۲۰۱۵) در بررسی تجربه دختران دانشجوی سعودی در خارج از کشور و چانگ و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه دختران دانشجوی بین‌المللی در استرالیا شبکه‌های اجتماعی را نه تنها مهمترین منبع اطلاعاتی دانشجویان دانسته که بر نقش آن در فرایند ادغام و هویت‌یابی در جامعه میزبان تأکید داشته‌اند. استفاده از شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر و فیس‌بوک راه مناسبی در انتقال اطلاعات در خصوص شناساندن و آگاهی‌رساندن در مورد شرایط کشور مقصد است. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته با کارشناسان وزارت بهداشت، مشخص شد که از سال ۱۳۹۴ به صورت مدون، برای بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌های علوم پزشکی، برنامه‌ریزی درازمدتی انجام شده است و تمام برنامه‌های درسی علوم پزشکی و ۳۰۰ طرح درس، به زبان انگلیسی در وبسایت دانشگاه‌ها در دسترس است. این نکته به افزایش جذب دانشجوی بین‌المللی کمک شایانی نموده است. این وزارتخانه با همکاری وزارت علوم و وزارت امور خارجه، سایت ایران آموزش^۱ را با عنوان "مرکز بین‌المللی‌سازی آموزش عالی ایران"، راه‌اندازی کرده است؛ بر این اساس، اطلاعات متنوعی از فرهنگ، آداب و رسوم و شرایط تحصیل در دانشگاه‌های کشور را به زبان انگلیسی در دسترس مخاطبان بین‌المللی، قرار داده است و امکان ارتباط مستقیم متقاضیان با دانشگاه‌های مورد نظر را فراهم

۱ . Education Iran

کرده است، همچنین اقدام جهت ثبت نام را نیز، تسهیل نموده است. تاکنون (اسفند ۱۳۹۹) ۸۳ دانشگاه (علوم پزشکی و غیر پزشکی) در این سامانه عضویت دارند و متقاضیان از سراسر جهان می‌توانند با اطلاع از برنامه‌های دانشگاه‌ها برای این دوره‌ها اقدام نمایند. تمامی برنامه‌های آموزشی می‌بایست به زبان انگلیسی روی سایت قرار بگیرد؛ مگر اینکه برنامه آموزشی با هدف ترویج زبان فارسی باشد. وزارت علوم نیز به صورت موازی وبسایت^۱ نسبتاً جامعی در راستای اطلاع‌رسانی و جذب دانشجویان بین‌المللی با عنوان تحصیل در ایران دارد که اطلاعات متنوعی در خصوص زندگی و تحصیل در ایران را در اختیار مخاطب غیر فارسی زبان قرار می‌دهد. امور بین‌الملل نهاد رهبری^۲ نیز در وبسایت خود به صورت موازی همین کار را انجام می‌دهد.

۴-۵. نقش قانون تبدیل وضعیت اقامتی مهاجران در ریزش سهم دختران در

آموزش عالی

پذیرش مهاجران افغانستانی از ابتدای انقلاب اسلامی به صورت گروهی و دسته جمعی و بدون لحاظ کردن موازین بین‌المللی (تشکیل پرونده و مصاحبه) صورت گرفت. براساس قوانین رسمی مهاجران افغانستانی تبار ساکن ایران برای ورود به آموزش عالی می‌بایست پاسپورت افغانستانی و ویزای دانشجویی داشته باشند. این بدان معناست که کلیه متقاضیان ورود به دانشگاه باید کارت آمایش خود را باطل کرده و در ازای آن پاسپورت با ویزای مدت‌دار بگیرند که به معنای تبدیل عنوان حقوقی پناهندگی به مهاجر بودن است که ناپایداری و موقتی بودن وضعیت اقامتی افراد را تشدید می‌نماید. نگرش حساس به جنسیت، الزام قانونی تغییر وضعیت اقامتی مهاجران افغانستانی را همراه با سوگیری‌های جنسیتی، نشان می‌دهد. در این راستا مهمترین مقوله‌های بدست آمده "کسب مجوز خانواده برای تبدیل وضعیت اقامت"، "هزینه مالی سفر"، "مخاطرات سفر به افغانستان به ویژه برای دختران مجرد" و "سؤال‌های ایدئولوژیک و سیاسی در حین مصاحبه ویزای دانشجویی" بوده است. شمایل، دانشجوی دوره کارشناسی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال و متولد کرج است. والدینش در سال‌های ابتدایی دهه شصت شمسی به ایران مهاجرت کرده‌اند و تاکنون هیچ تجربه مستقیمی از کشور افغانستان نداشته است:

«پدر و مادر من سواد ندارند و کسب موافقت آنها برای اینکه من به عنوان یک دختر درس بخوانم خودش یک داستان بلند بالا بود. بارها کار ما در خانه حتی به دعوا هم کشید؛ ولی بالاخره با همراهی و حمایت خواهر بزرگترم که در استرالیا است توانستم رأی مثبت والدینم را برای ثبت نام کنکور بگیرم. ولی باز به یک در بزرگتر خوردم. مسئله تبدیل وضعیت اقامتی مهاجران یک کابوس بود. برای اکثر خانواده‌های افغانستانی لفظ پناهنده بودن با وجود تمام مشکلاتی که در ایران دارند خودش باعث آرامش است. انگار تا وقتی حمایت سازمان ملل متحد را داری بالاخره به یک جایی وصلی و به این راحتی دیپورت (اخراج) نمی‌شوی. برای

۱ . <https://www.msrt.ir/en/page/17/study-in-iran>

۲ . <http://melal.nahad.ir/>

والدین من یک کابوس هولناک بود که دختر مجردشان بخواهد از وضعیت پناهندگی در بیاید و پاسپورت بگیرد. در ذهن خانواده‌های مهاجر اینجوری جا افتاده که اگر پاسپورتنی شدی هر وقت دولت ایران دلش خواست می‌تواند از کشور بیرون بیندازت؛ ولی با کارت آمایش وضعیت بهتر است. چند سال پیش اوضاع سخت‌تر بود در سال‌های اخیر خانواده‌ها راحت‌تر با ادامه تحصیل دختران موافقت می‌کنند. شاید من شانس آوردم که مجرد بودم چون دخترخاله‌ام که متأهل است علیرغم اینکه بسیار باهوش و با انگیزه بود نتوانست همسرش را برای تبدیل وضعیت و سفر انفرادی به افغانستان راضی کند. تنهایی مسافرت کردن آن هم به کشوری که جز جنگ و خشونت از آن نشنیده بودیم ترسناک و پر هزینه بود. اخیراً انجمن‌های دانشجویی یکسری تسهیلات ایجاد کرده‌اند که متقاضیان را به صورت گروهی به افغانستان می‌برند؛ ولی از دوستانم چندین بار شنیده‌ام که تاکسی‌ها در مسیر اخاذی کرده‌اند یا از مأمورهای مرزی متلک شنیده‌اند یا برای گرفتن مسافرخانه در افغانستان با هم گروهی‌های پسر مشکل پیدا کرده‌اند. چند سالی است که می‌توانی به جای افغانستان برای تبدیل وضعیت اقامتی به کیش بروی. تا کیش رفتن خودش داستان پر هزینه‌ای است و حتی بارها پیش آمده که از متقاضیان سؤال‌های سودار سیاسی پرسیده‌اند؛ مثلاً اینکه نظرت در مورد آمریکا یا اسرائیل چیست. خیلی از کسانی که می‌شناسم ترجیح می‌دهند به همان افغانستان بروند تا با کشوری که وطن نام نهند آشنا شوند وقتی هزینه و زمان‌اش یکسان است.»

تبدیل وضعیت اقامتی برای مهاجران افغانستانی تبار ساکن ایران چالش‌های متعددی را ایجاد می‌کند که یکی از مهمترین عوامل ریزش دختران مهاجر و کاهش سهم آنان در آموزش عالی است. در سال‌های اخیر تشکل‌های دانشجویی افغانستانی به صورت خودجوش درصدد برآمده‌اند تا این روند پر مخاطره را اندکی تسهیل کنند و برنامه‌هایی همچون "طرح رهسپار" را تدوین کرده که در شبکه‌های مجازی اطلاعات سفر را اعلام و متقاضیان به صورت گروهی به افغانستان برده می‌شوند. موارد متعددی از رها شدن افراد در لب مرز و یا اخاذی راننده‌های تاکسی در داخل افغانستان از سوی مصاحبه‌شوندگان بیان شد که نشان می‌دهد تا چه اندازه این سفر پر مخاطره و پیچیده است. در سال‌های اخیر، به دلیل افزایش حضور مهاجران افغانستانی در آموزش عالی ایران و نقش آگاهی بخش رسانه‌های جمعی، باعث افزایش موافقت خانواده‌های افغانستانی با حضور فرزندان‌شان در دانشگاه و تبدیل وضعیت اقامتی و سفر انفرادی به افغانستان یا کیش شده است؛ اما همچنان بسیاری از دختران افغانستانی امکان مجاب کردن خانواده را نداشته و در نتیجه از ادامه تحصیل باز می‌مانند.

۴-۶. چالش شهریۀ دانشگاه و ابهام در مورد بورسیه‌های تحصیلی

یکی از مهمترین بسترهایی که موضوع دانشجویان افغانستانی شاغل در آموزش عالی ایران را در رسانه‌های جمعی داخلی و بین‌المللی بازتابی می‌کند مسئله "پرداخت شهریۀ" است. موضوعی که هر ساله و

تحلیل جنسیتی چالش‌های دانشجویان افغانستانی در وزود به نظام آموزش عالی ایران

به‌ویژه بعد از نوسانات ارزی اخیر به یکی از داغ‌ترین موضوعات ژورنالیستی تبدیل شده است. همانطور که در بخش‌های پیشین مطرح شد دانشجویان افغانستانی از تنوع برخوردار بوده و به طرق گوناگونی به دانشگاه‌های ایران وارد می‌شوند که شامل:

- کنکور (سازمان سنجش)
 - بورسیه دولت ایران (براساس تعهدات اجلاس بن)
 - بورسیه دولت افغانستان
 - بورسیه دانشگاه‌ها به ویژه برای رشته‌های خاص مثل پزشکی
- لازم به ذکر است اتباع افغانستانی در سایر نهادهای آموزشی همچون سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (متشکل از شورای گسترش زبان فارسی، مجمع جهانی اهل بیت، مجمع جهانی تقریب بین-المذاهب اسلامی)، بنیاد سعدی، مؤسسه دهخدا، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه‌های علمیه در دوره‌های معارف و علوم دینی، ایران شناسی و فرهنگ‌شناسی نیز حضور دارند. اعطای فرصت آموزش رایگان با پرداخت مقرری تحصیلی براساس ضوابط و مقررات دولت جمهوری اسلامی ایران است و به دو روش بورس الف^۱ و بورس ب^۲ اعطا می‌شود. تغییرات سریع آیین‌نامه‌ها، عدم اطلاع‌رسانی مناسب، ابهام دستور العمل‌ها، تناقضات بحث شهریه، عدم هماهنگی در میان نهادهای تصمیم‌گیر و نامشخص بودن فرایند دریافت بورسیه‌ها از جمله، مهمترین مواردی بود که مطلعین در این پژوهش در خصوص چالش‌های اتباع افغانستانی متقاضی ورود به آموزش عالی ایران بر شمرده‌اند. عایشه، دانشجوی دوره دکتری دانشگاه فردوسی مشهد، متولد بیرجند است و الزام پرداخت شهریه (چه در قالب نرخ شبانه یا شهریه دلاری) را تبعیضی مضاعف برای متولدین ایران می‌داند:

«این یک دغدغه بزرگ در ذهن همه مهاجران افغانستانی است. وقتی، ما در ایران به دنیا آمده‌ایم، بزرگ شده‌ایم، در همین کشور مدرسه رفته‌ایم، حتی بسیاری والدین ما هم در این کشور متولد شده‌اند. چرا وقتی با سختی و تلاش در کنکور با رتبه خوب قبول دوره روزانه می‌شویم چرا باید شهریه شبانه را بدهیم؟ یا اگر به هر دلیلی کنکور قبول نشدیم چرا باید شهریه را با دلار بدهیم که روز به روز قیمتش نجومی‌تر می‌شود؟ این همه فشار اضافه برای چیست؟ گرفتن بورس دافی هم که توسط کمیساریای سازمان ملل اعطا می‌شود بسیار سخت است. هزینه رفت و آمد، کتاب و عدم پرداخت وام دانشجویی فشار مضاعف می‌آورد به دانشجویان مهاجر بخصوص وقتی که به صورت قانونی هم اجازه کار نه خودمان داریم و نه والدینمان که بتوانیم از پس هزینه‌ها بر بیاییم. این فشارها اثرات مخربتری بر وضعیت دختران

۱. گیرندگان بورس الف علاوه بر تحصیل رایگان (معاف از پرداخت شهریه تحصیلی)، از تسهیلاتی مانند کمک هزینه تحصیلی، بیمه خدمات درمانی، خوابگاه، کمک هزینه مسکن و کمک هزینه پایان نامه برخوردار هستند

۲. دریافت کنندگان بورس از تحصیل رایگان (معاف از پرداخت شهریه) و تسهیلاتی مانند بیمه خدمات درمانی و خوابگاه برخوردار هستند.

دارد و چه بسیار دختران با استعداد افغانستانی که می‌شناسم که به دلیل ناتوانی خانواده یا عدم موافقت همسر برای پرداخت شهریه از تحصیل انصراف داده‌اند.»

پرداخت هزینه‌های دانشگاه از سوی دانشجویان افغانستانی نیز با تنوع و تناقض همراه است. قبول شدگان آزمون کنکور می‌بایست ۸۰ درصد شهریه شبانه را پرداخت کنند، متقاضیان آزاد ساکن در ایران و متقاضیان آزاد ساکن در افغانستان نیز شهریه را باید به دلار پرداخت کنند. "نوسانات ارزی" و "دستورالعمل‌های کوتاه مدت در پرداخت شهریه با دلار آزاد، دلار نیمایی و دلار دولتی" از مهمترین چالش‌های دانشجویان افغانستانی بوده است. گلاله^۱ فارغ‌التحصیل رشته هنرهای تصویری از دانشگاه تهران است که در زمان دانشجویی حضوری پر رنگ در تشکلهای دانشجویی داشته و در سازمان‌های غیردولتی به صورت داوطلبانه فعالیت می‌کند. از نظر او مشکلات دانشجویان افغانستانی و رای دانشگاه است و بیشتر در نتیجه روابط سیاسی دو کشور ایجاد شده است:

«مهاجران افغانستانی در ایران بازیچه دست هر دو دولت هستند. گویی بستر مناسبی هستند که هر دولت بر اساس منافع خود در زمان‌های مختلف از آنها بهره برداری سیاسی کند. دستاویز سیاسی و فرهنگی هستند. قضیه بورسیه‌ها و روابط دانشگاهی هم کاملاً این را نشان می‌دهد. نوع حضور دانشگاهی دو طرف کاملاً بر اساس منافع سیاسی امنیتی است، تا اهداف آموزشی و آکادمیک. این نگاه منفعت‌طلبانه نسبت به مهاجران افغانستانی ریشه در سطح کلان کشور دارد. دولت افغانستان تلاش می‌کند تا نیروهای پشتون را از نظر علمی تقویت کند و بیشتر بورسیه‌های تحصیلی و حمایت‌های مالی در داخل افغانستان به قوم پشتون می‌رسد. از آن طرف دولت ایران هم به دنبال منافع خود از آموزش عالی است و با تمرکز بر بورسیه هزاره‌ها به دنبال موازنه قدرت و تربیت نیروهای عامل و موافق خود در خاک افغانستان است. رزومه آموزشی افراد فرع ماجراست.»

"تأثیرگذاری روابط بین دو کشور ایران و افغانستان بر دانشجویان افغانستانی" و "توجه به منافع سیاسی به جای شایستگی علمی بورسیه شندگان" از پرکارترین مقوله‌های به دست آمده در این پژوهش بود. از منظر مطلعین موضوع بورسیه تحصیلی دانشجویان بخشی از بازی سیاسی بین دو کشور هستند و وضعیت دانشجویان افغانستانی همچون آینه، نحوه تعامل سودمحورانه دو دولت را بازنمایی می‌کند. نحوه تخصیص بورسیه‌ها، مکانسیم انتخاب دانشجویان و تسهیلات ارائه شده، براساس سطح تعاملات دیپلماتیک دو کشور، منافع امنیتی و ایدئولوژیک هر دو طرف و قدرت‌طلبی دو کشور در منطقه دچار نوسان می‌شود. بی‌شک، دختران با سهمی بسیار اندک در تعداد دریافت کنندگان بورسیه الف، بازنده اصلی این نگاه غیرآکادمیک به توزیع بورسیه‌های تحصیلی هستند. موضوعی که منطقی‌تر می‌بایست در بستری علمی دنبال شود؛ ولی دست‌آویز روابط سیاسی-امنیتی دو کشور شده، در کیفیت آموزشی دانشگاه‌های هر دو کشور تأثیرگذار است.

۱. به معنای کاکل، موی مجعد و پیچیده

مقوله "نبود سیاست واحد در موضوع شهریه"، "نوسان در نرخ شهریه" و "قوانین سلیقه‌ای و تفاوت نرخ تحصیل در دانشگاه‌های مختلف" نیز از موارد مطرح شده، توسط مطلعین بود. دانشگاه‌های علوم پزشکی قدرت مانور بالاتری درخصوص اختصاص بورسیه‌های تحصیلی به متقاضیان خارجی دارند اما در میان دانشگاه‌های زیر نظر وزارت علوم، به نظر می‌رسد مشکلات مالی بیشتر به چشم می‌آید. سیاست‌گذاری‌های جزیره‌ای و غیرارگانیک منجر به تشتت دستورالعمل‌ها در حوزه مهاجران افغانستانی شده است به عنوان نمونه دانشگاه‌های محدودی همچون دانشگاه گیلان از سال تحصیلی ۱۳۹۸-۹۹ بورسیه تحصیلی تحت عنوان "پروین اعتصامی" به دختران افغانستانی واجد شرایط، پذیرفته شدگان معاف از شهریه یا تخفیف تا سقف ۶۰ درصد اعطا خواهد شد. دانشگاه فردوسی مشهد نیز با توجه به همجواری و تعامل گسترده با کشور افغانستان امکان بهره‌مندی دانشجویان افغانستانی زبده را از تخفیف تا سقف ۲۰ درصدی شهریه فراهم نموده است. ارائه این تسهیلات از سوی دانشگاه‌های کشور با ضعف اطلاع رسانی در میان جامعه مهاجران، همراه است و بُرد رسانه‌ای مطلوبی نداشته است. در بسیاری از مصاحبه‌های صورت گرفته دانشجویان افغانستانی از "بدعهدی وزارت علوم در اعطای بورسیه به برگزیدگان کنکور" یاد کرده‌اند. یکی از کارشناسان وزارت علوم، جدل‌های رسانه‌ای حول موضوع شهریه دانشجویان افغانستانی را ناشی از "سوء برداشت" از تسهیلات ارائه شده توسط این نهاد در رسانه‌های جمعی و در میان مهاجران می‌داند:

«براساس اسناد بالادستی و سیاست‌های وزارت علوم هدف اصلی از اعطای بورسیه به دانشجویان بین‌المللی تربیت سفیر فرهنگی است؛ تربیت افرادی که بعد از فارغ‌التحصیلی اهداف انقلاب اسلامی را در ورای مرزهای کشور نمایندگی کنند. در نتیجه مهاجران افغانستانی تبار ساکن ایران لزوماً در دایره این تعریف قرار نمی‌گیرند. اما با توجه به لزوم توجه به سرمایه انسانی مهاجران در سال‌های اخیر بعد از فعالیت‌های یکسری از دانشجویان نخبه افغانستانی در عرصه رسانه‌ای و مذاکره با برخی نهادهای کشور مقرر شد که تسهیلاتی در خصوص معافیت مهاجران افغانستانی از پرداخت شهریه اعمال شود. مقرر شد رتبه‌های ۱ تا ۱۰۰ کنکور کارشناسی و رتبه ۱ تا ۳ کارشناسی ارشد مهاجران افغانستانی می‌توانند از بورسیه بهره‌مند گردند. اما در جامعه مهاجران سوء برداشتی صورت گرفت و بعد از مدتی ما شاهد سیل نامه‌های جمعی انتقادی دانشجویان نسبت به درخواست دانشگاه‌ها برای پرداخت شهریه شدیم که انعکاس گسترده‌ای در رسانه‌های معاند خارج از کشور هم داشت. از تسهیلات ارائه شده توسط وزارت علوم این طور استنباط شده بود که برگزیدگان ۱ تا ۱۰۰ شامل دوره کارشناسی ارشد هم می‌شود که صحت نداشت. باید در سطح رسانه، دقیق و جامع اطلاع رسانی می‌شد که هزینه‌های تبلیغاتی برای کشور نداشته باشد.»

پرداخت شهریه به افراد امکان مطالبه‌گری می‌دهد که بر اساس هزینه‌ای که پرداخت می‌کند حقی به دست بیاورد، حق دیده شدن، حق بهره‌مندی از منابع موجود و حق حضور برابر در جامعه و صاحب صدا شدن. این درحالی است که دانشجویان افغانستانی همچنان در جایگاهی فرودست در جامعه قرار می‌گیرند. این موقعیت فرودستی در دانشگاه تاحدی التیام بخشیده می‌شود و افراد ذیل کلیتی تحت عنوان

هویت دانشجویی گرد هم می‌آیند؛ با وجود این، همچنان تجربه‌های تبعیض و پیش داوری تکرار می‌شود و چالش‌ها برای هر دو جنس مشترک به نظر می‌رسد اما مواجهه دختران دانشجو و بازخورد آن در زندگی فردی و اجتماعی آنان با توجه به بطن مناسبات جنسیتی با دشواری‌های متعددی همراه است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

سیاست جذب دانشجوی بین‌المللی به افزایش سرمایه مالی، توسعه سرمایه فرهنگی و کسب اعتبار و پرستیز بین‌المللی، افزایش تفاهم میان فرهنگی، گسترش ارتباطات علمی و بین‌المللی و بهبود کیفیت و بهره‌وری آموزشی و پژوهشی می‌انجامد. دانشجویان افغانستانی با بیشترین میزان قربات فرهنگی، مذهبی و زبانی با جامعه میزبان، به عنوان مهمترین بازیگر عرصه بین‌المللی سازی آموزش عالی ایران هستند که الگوهای رفتاری متفاوتی را در نهاد دانشگاه بازتولید می‌کنند. بی‌شک، مطالعه جامع و متمرکز این گروه از دانشجویان و شناخت مختصات گروه هدف به بهبود سیاستگذاری‌ها هم در سطح آموزش عالی و هم در عرصه مدیریت مهاجرت در ایران منجر خواهد شد.

در این پژوهش با مطالعه میدانی در زیست دانشگاهی دانشجویان افغانستانی بر نقش مؤثر نهاد دانشگاه در توانمندسازی دختران دانشجو تأکید شد. نهاد دانشگاه به عنوان ساختی پیشرو و متمایز فرصتی مغتنم برای کاهش شکاف جنسیتی و افزایش دسترسی دختران افغانستانی به منابع اجتماعی ایجاد کرده که نقشی ممتاز در توانمندسازی و افزایش قدرت عاملیت آنها ایفا نموده است. نتایج این مطالعه نشان داد در حالی که مهاجران در یک طرف کلی تجارب و تبعیض‌های مختلفی را تجربه می‌کنند. دختران در بسیاری موارد با تبعیض‌های مضاعف مواجه هستند. محدودیت در انتخاب رشته و شهر، تغییر وضعیت اقامتی، پرداخت شهریه در حالی که در هنجارهای فرهنگی و قومیتی آنها، تحصیل دختران کم ارزش تر تلقی می‌شود و یا کسب فرصت‌های مرتبط با بورسیه تحصیلی از جمله آنهاست. هر چند در مرور پیشینه نیز اشاره شد که بخشی از این تبعیض‌ها و تجارب نه تنها مربوط به محیط فرهنگی کشوری خاص که ناشی از تجارب جنسیتی دختران در محیط‌های بین‌المللی است. ویلیس (۲۰۱۵) با بررسی تجربه دخترانی که در کشورهای خارجی تحصیل کرده بودند، نشان داد به نظر می‌رسد، جو عمومی دانشگاه‌ها برابر خواهانه است؛ اما فرهنگ و نوع کنش‌ها همچنان در حال بازتولید تبعیض‌ها و نابرابری‌هایی علیه دختران با نژاد و پیشینه‌های فرهنگی متفاوت است. وی از این نوع رفتارها با عنوان "ریز تبعیض‌ها" اسم می‌برد که در عمل به صورت غیرمحسوس ولی مستمر علیه دختران با نژادهای غیر سفیدپوست و یا متفاوت از نظر ملیت تولید می‌شوند. این تجربه در بین دختران افغانستانی نیز به نوعی در فضای دانشگاه و بدلیل وجود پیش‌داوری‌ها قابل مشاهده است.

از سوی دیگر، سیاستگذاری درخصوص دانشجویان بین‌المللی به‌طور عام و دانشجویان افغانستانی به‌طور خاص با موازی کاری و بعضاً تناقض رویه‌ای نهاد‌های متعدد همراه است که به دلیل فقدان نظام یافتگی، کارایی سیستم را کاهش می‌دهد و در روند انطباق آکادمیک و فرهنگ‌پذیری اتباع افغانستان به

عنوان بزرگترین گروه دانشجویان بین‌المللی اختلال ایجاد می‌کند. به دلیل تجربه سال‌ها محرومیت ساختاری، در جامعه ایران، "تمایل و کشش" دانشجویان افغانستانی به فرهنگ‌پذیری با روند کلی جامعه ایران کاهش یافته و یا کلاً از بین رفته است. براساس یافته‌های میدانی این پژوهش به دلیل تمرکز سیاستگذاری‌های دولت ایران در طی چهار دهه گذشته با محوریت فشار حداکثری در جهت ترغیب/ اجبار مهاجران به بازگشت، عملاً افق روشنی برای فارغ‌التحصیلان افغانستانی آموزش عالی ایران شکل نگرفته است و در نتیجه تجربیات پیشادانشگاهی تمایل و انگیزه به فرایند فرهنگ‌پذیری در میان دانشجویان افغانستانی در سطحی پایین‌تر نسبت به سایر دانشجویان بین‌المللی قرار دارد. اختلال در فرایند فرهنگ‌پذیری تبعات متعددی در پی دارد و به راحتی می‌تواند بر هدف اصلی بین‌المللی‌سازی آموزش عالی ایران، که در کلیه اسناد بالادستی، مبنی بر تربیت دانشجوی بین‌المللی به عنوان سفیر فرهنگی، مورد تأکید قرار گرفته است؛ تأثیر معکوس گذاشته و به تولید اپوزیسیون منجر شود. فرهنگ‌پذیری ناقص و ناموزون به افزایش برخورد متعصبانه و تشدید سوگیری فرهنگی خواهد انجامید که منافع ملی کشور را تحت الشعاع قرار خواهد داد. این در حالی است که نگاهی به تجارب دیگر کشورها در این زمینه نشان می‌دهد، دخترانی که از کشورهایی با پیشینه فرهنگی و هنجاری سنتی برای تحصیل به کشورهای دیگر می‌روند؛ تمایل کمتری برای بازگشت به کشور خود دارند و عمدتاً دلیل آن کسب موقعیت‌های برتر و کاهش فشارهای هنجاری فرهنگ مبدأ است. در حقیقت دختران در این فاصله فشارهای روانی و اجتماعی بیشتری را متحمل می‌شوند چرا که از یک سو، بدنبال کسب فرصت‌های بیشتر برای ارتقای توانمندی‌ها هستند و از سوی دیگر، بدلیل فشار سیستماتیک کشور میزبان برای بازگشت مهاجران، دختران اولین گروهی هستند که از کسب فرصت‌های شغلی و اجتماعی در کشور میزبان محروم می‌شوند. این امر بیانگر این است که دختران در این فرایند همچنان به عنوان در حاشیه ماندگان و گروه در سایه هستند و فرصت‌های حاصل شده برای آنان مقطعی، غیرمستمر و ناپایداری است. این در حالی است که در بسیاری از کشورها سیاست جذب نخبگان مهاجر باعث شده، سرمایه فکری و سرمایه انسانی مهاجران به عنوان یک ظرفیت مهم برای افزایش توان پیشرفت و توسعه تلقی شود و تلاش برای ادغام آنان در جامعه میزبان به منظور بهره‌گیری بیشتر از این فرصت‌ها در سیاست‌های فرهنگی آموزش عالی پیش بینی شود. بنابراین، حمایت همه جانبه از مهاجران متخصص و تلاش در جهت جذب آنها، تضمین‌کننده توسعه و پیشرفت پایدار جامعه می‌باشد.

۵-۱. پیشنهادات

۱. اعطای استقلال به دانشگاه‌ها برای پذیرش دانشجویان مورد نیاز؛
۲. تجمیع و شفافیت آماری درخصوص دانشجویان غیرایرانی به منظور تشکیل پایگاه داده از دانش آموزان/دانشجویان افغانستانی؛
۳. اعطای بورسیه‌های تحصیلی به دختران ممتاز در نهاد آموزش؛

۴. آماده کردن محیط عمومی جامعه برای استقبال از دانشجویان غیرایرانی؛
۵. ارائه تسهیلات در راستای تغییر وضعیت اقامتی به‌ویژه برای دختران مهاجر: بهره‌مندی از سایر مناطق همچون منطقه آزاد سلفچگان؛
۶. کاستن از پیچیدگی‌های اداری و بوروکراتیک در جهت تسهیل فرایند ورود و خروج دانشجویان به/از آموزش عالی؛
۷. اعطای بورسیه الف به دانشجویان مهاجر ممتاز (ورودی‌های کنکوری)؛
۸. تقویت فرایند اطلاع‌رسانی درخصوص اطلاعات مورد نیاز دانشجویان بین‌المللی و تدوین و ارائه دفترچه راهنما در خصوص نیازهای اولیه آموزشی و خدماتی دانشجویان جدیدالورود.

منابع

- اصغری، فیروزه (۱۳۹۶)، *درآمدی بر سیاست بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- جاودانی، حمید (۱۳۸۸)، *جهانی شدن و آموزش عالی*، گسست میان نظریه تا کنش: راهبردهایی نوین برای توسعه آموزش عالی ایران، *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، دوره ۱۵، شماره ۳.
- حسینی مقدم، محمد (۱۳۹۶)، *دانشگاه ایرانی در سپهر بین‌المللی شدن، بین‌المللی شدن آموزش عالی و آینده دانشگاه در ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- خبرنامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۸)، گزارش دکتر صدیقی رییس سازمان امور دانشجویان.
- ذاکرحالی، غلامرضا (۱۳۹۵)، *آموزش عالی و جذب دانشجویان خارجی*، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۶)، *بررسی اتنوگرافیک پدیده ازدواج زودهنگام در میان مهاجران افغان (قوم هزاره) در دو شهر هامبورگ (آلمان) و تهران (ایران)*، *مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی*، دانشگاه تهران، دوره ۷، شماره ۱، بهار و تابستان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: نشر نی.

فتحی اجارگاه، کوروش و محبوبه عارفی و حامد زمانی منش (۱۳۹۰)، بررسی موانع پذیرش دانشجویان خارجی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۲.

ماحوزی، رضا (۱۳۹۵)، ابعاد فرهنگی و اجتماعی بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها: وضعیت ایران و تجربه جهانی، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

مولایی، حمیده (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر بر انطباق تبیین فرهنگی دانشجویان خارجی در ایران؛ مطالعه موردی دانشجویان خارجی دانشگاه تهران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱۱، شماره ۳، شماره پیاپی ۴۳، پاییز.

میرزایی، حسین (۱۳۹۶)، بررسی انطباق تحصیلی مهاجران افغانستانی در ایران، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۱.

نصراصفهانی، آرش و سید حسن حسینی (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر سیاست‌های تحصیل اتباع افغانستانی در ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره بیستم.

Abbasi-Shavazi, MJ & Sadeghi, R (2014), "Socio-cultural adaptation of second-generation Afghans in Iran", *International Migration*, vol. 53, no. 6.

Andrade, MS (2006), "International students in English-speaking universities: adjustment factors", *Journal of Research in International Education*, vol. 5, no. 2.

Bhalalusesa, E (1998), "Women's career and professional development: Experiences and challenges", *Gender and Education*, vol. 10, no. 1.

Binsahl, H & Chang, S & Bosua, R (2015), "Identity and belonging: Saudi female international students and their use of social networking sites", *Journal of Migration & Culture*, vol. 6, no. 1.

Boellstorff, T (2010), "Coming of age in second life: an anthropologist explores the virtually human", *Princeton University Press*.

Boey, J (2014), "How does gender matter in the context of the international higher education experience", *Research Digest*, vo. 6.

Bourhis, RY & Moise, LC & Perreault, S & Senecal, S (1997), "Towards an interactive acculturation model: a social psychological approach", *International Journal of Psychology*, vol. 32, no. 6.

CBIE, (2018), "The integration challenge: connecting international students with their Canadian peers", *CBIE Research*, Brief 2.

Chang, S & Alzougool, B & Berry, M & Gomes, C & Smith, S & Reeder, D (2012), "International students in the digital age: do you know where

- your students go to for information?" *Proceeding from Australian International Conference 2012*, Melbourne, Australia: AIEC.
- Chavoshi, S & Wintre, M (2013), "A developmental model of the adjustment of undergraduate international students", *Research talk presented at the 6th meeting of the Society for the Study of Emerging Adulthood*, October 9th, Chicago, IL.
- Chirkov, V & Vansteenkiste, M & Tao, R & Lynch, M (2007), "The role of self-determined motivation and goals for study abroad in the adaptation of international students", *International Journal of Intercultural Relations*, vol. 31, no. 2.
- Choudaha, R & Chang, L & Kono, Y (2013), "International student mobility trends 2013: towards responsive recruitment strategies", *New York, NY: World Education Services*.
- Dentakos, S & Wintre, M & Chavoshi, S & Wright, L (2016), "Acculturation motivation in international student adjustment and permanent residency intentions: a mixed-methods approach", *Emerging Adulthood*, vol. 5, no.1.
- Gordon, MM (1964), "Assimilation in American life: the role of race, religion, and national origins", Oxford University Press.
- Guest, G & MacQueen, KM & Namey, EE(2011), "Applied thematic analysis", *SAGE Publications*.
- Ichimoto, T (2004), "Ambivalent 'selves' in transition: a case study of Japanese women studying in Australian universities", *Journal of intercultural studies*, vo. 25, no. 3.
- Maringe, F & Foskett, N (2010), "Globalization and internationalization in higher education, theoretical, strategic and management perspectives", Bloomsbury Publishing.
- Meuser, M & Nagel, U (2009), "The expert interview and changes in knowledge production", In: Bogner A, Littig B, Menz W (eds) "Interviewing experts. research methods series", Palgrave Macmillan, London.
- Portes, A & Fernandez-Kelly, P & Haller, W (2009), "The adaptation of the immigrant second generation in America: a theoretical overview and recent evidence", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, vol. 75, no. 3.
- Warren, H (2007), "Using gender-analysis frameworks: theoretical and practical reflections", *Gender and Development*, vol. 15, no. 2.
- Willis, TY (2015), "And still we rise...: microaggressions and Intersectionality in the study abroad experiences of black women", *Frontiers: The Interdisciplinary Journal of Study Abroad*, vol. 26.